



مجمع کارآفرینان ایران
Iran Entrepreneurs Forum

خیزش آسیای جنوب شرقی

آیا آسیای جنوب شرقی می تواند به قطب جدید تولید تبدیل شود؟

مرکز مطالعات استراتژیک کارآفرینی

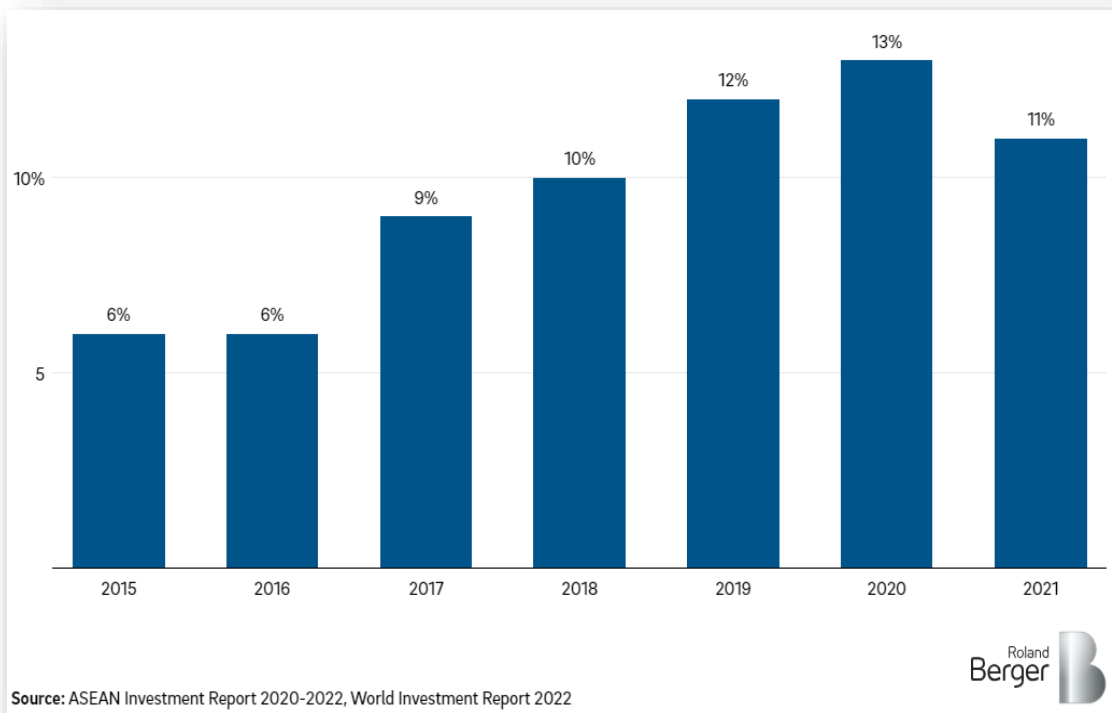
شهریور ماه ۱۴۰۲

مدتی است که دوباره نام و اهمیت آسیای جنوب شرقی به طور ناگهانی بر سر زبان‌ها افتاده است. ارقام رشد اقتصادی چشمگیر کشورهای این منطقه باعث شده که جایگاه قابل توجهی در میان سریع‌ترین مناطق در حال رشد در جهان پیدا کند. از این مهمتر، رفته رفته «آسه‌آن» / ASEAN نیز به لحاظ ژئوپلیتیکی به کانون توجهات بین‌المللی تبدیل می‌شود.

برخی از ناظران بر این باورند که کشورهای آسیای جنوب شرقی نه تنها می‌توانند از حمایت شرکت‌های چندملیتی در برابر تشدید تنش‌های ژئوپلیتیکی سود ببرند، بلکه این منطقه به‌طور فزاینده‌ای به قطب جدید تولید جهانی تبدیل خواهد شد. به سرعت آشکار می‌شود که این منطقه، مدت‌ها پیش از بحران کووید مقصدی جذاب برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی صادرات‌محور (FDI) بوده است.

با افزایش هزینه‌های کسب‌وکار در چین، کشورهای آسیای جنوب شرقی جایگاه بهتری کسب کردند و محیطی جذاب‌تر برای سرمایه‌گذاری و همکاری شده‌اند. همچنین از سال ۲۰۱۸ به بعد و با افزایش تعرفه‌های آمریکا بر واردات از چین و همین‌طور، بروز نشانه‌های بیشتری از جدایش تجاری بین این دو، بیش از پیش بر روند بهبودبخشی به جایگاه آسیای جنوب شرقی تاثیر گذاشت. اما تنها ایالات متحده نیست که واردات از این منطقه را افزایش داده است بلکه چین نیز در حال خرید کالاهای بیشتری از آسیای جنوب شرقی است در حالی که واردات آن از ایالات متحده در حال کاهش است.

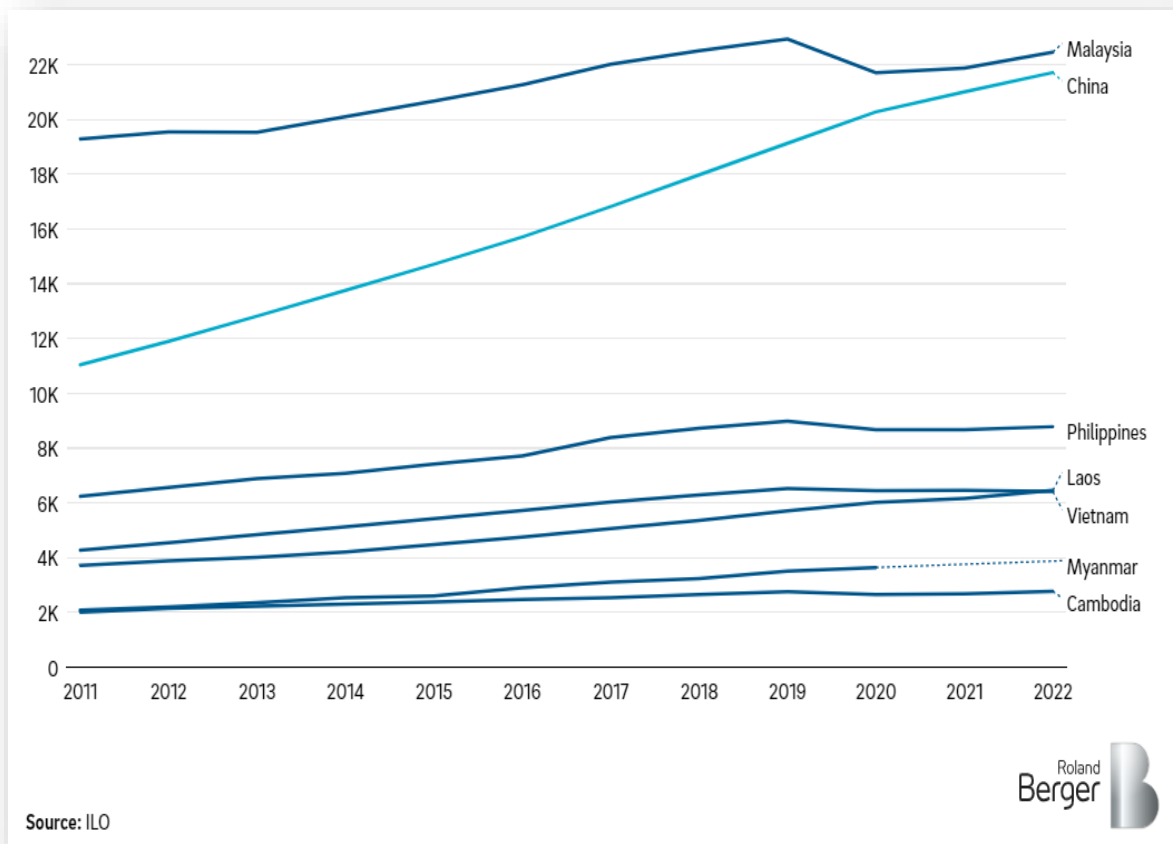
برای شفاف‌تر شدن این ادعا می‌توان به برخی مثال‌ها اشاره کرد. صادرات ویتنام و کامبوج به ایالات متحده به ترتیب ۱۶۵ و ۲۳۱ درصد افزایش یافته است. البته سهم «آسه‌آن» از کل واردات آمریکا هنوز چندان زیاد نیست است (۱۰/۶ درصد در سال ۲۰۲۲)، اما این واقعیت نباید پویایی کلی موضوع را منحرف کند. کشورهایمانند ویتنام یا کامبوج در واقع به عنوان قطب‌های تولید اهمیت پیدا می‌کنند و این فقط ایالات متحده نیست که واردات از منطقه را افزایش می‌دهد بلکه چین نیز همین مسیر را طی می‌کند. اکنون نکته قابل توجه، هدایت سهم رو به رشد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در «آسه‌آن» و مشخصا به سمت بخش «تولید» است.



شکل ۱: افزایش محبوبیت آسیای جنوب شرقی در بین سرمایه‌گذاران - سهم جریان FDI جهانی به سمت «آسه‌آن» (درصد سهم)

شماری از تغییرات ساختاری مبتنی بر تحولات اخیر، در حال رخ دادن است که عمدتاً به نفع زنجیره‌تامین «آسه‌آن» در حال تغییر جهت است. به عنوان مثال، همانطور که چین در حال تقویت «زنجیره ارزش» مورد نظر خود است، «مزیت هزینه» آن در حال محو شدن است چرا که نیروی کار همچون گذشته ارزان نیست.

از سال ۲۰۱۳، دستمزد تولید در چین دو برابر شده و به طور متوسط به حدود ۸/۲۷ دلار در ساعت رسیده است. این افزایش، در تضاد کامل با دستمزدهای تولید در ویتنام، تایلند یا مالزی است که اکنون زیر ۳ دلار باقی مانده است؛ اگرچه دستمزد پایین تنها مزیت قابل توجه آسیای جنوب شرقی نیست. سنگاپور در حوزه خدمات مالی و فناوری پیشرفته تبدیل به بازیگری بسیار مهم شده است. در عین حال، آسیای جنوب شرقی می‌تواند تعداد قابل توجهی از افراد بین ۲۵ تا ۵۴ سال با تحصیلات عالی را جذب کند. با این حال، تمرکز صرف بر «تابرابری هزینه‌ها» می‌تواند گمراه‌کننده باشد، زیرا مساله «شکاف در بهره‌وری» هنوز موضوعی قابل توجه است. واقعیت این است که اکثر کشورهای آسیای جنوب شرقی نمی‌توانند با چین در حوزه «میزان تولید به ازای هر کارگر» رقابت کنند.



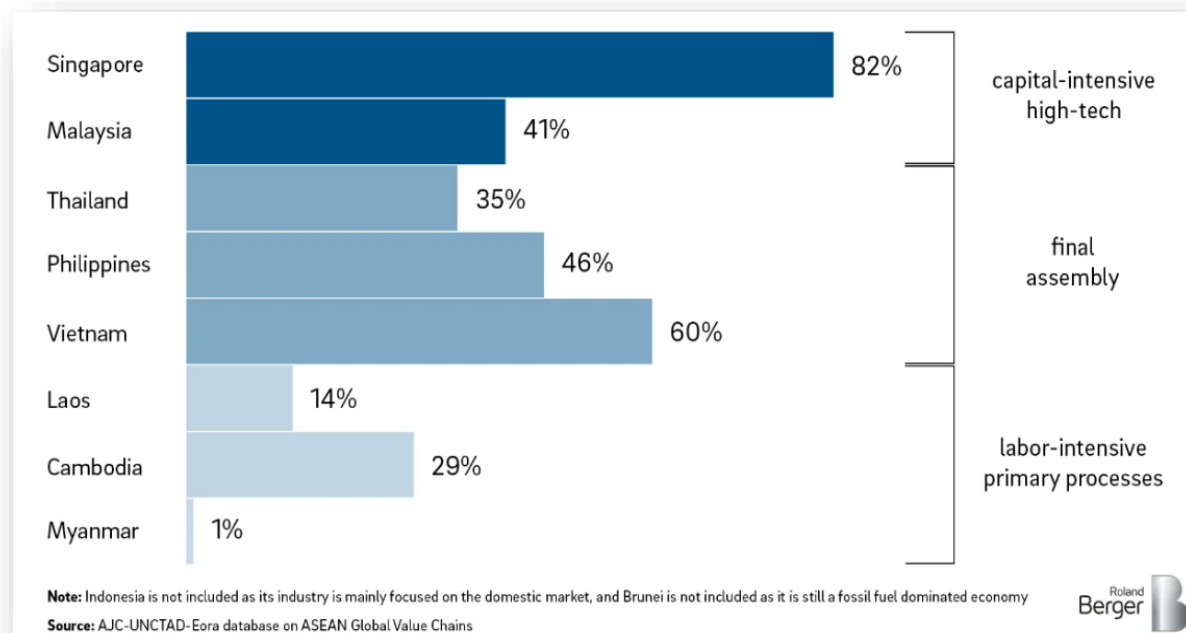
شکل ۲: شکاف در بهره‌وری - تولید (GDP) به ازای هر کارگر [GDP ثابت ۲۰۱۵، به هزار دلار آمریکا]

نکته آموزنده برای شرکت‌هایی که در جست‌وجوی جایگزین‌های زنجیره‌تامین هستند، دو چیز است: اول، تجزیه و تحلیل «چگونگی برابری هزینه تولید پایین‌تر در برابر کاهش نرخ بهره‌وری» و دوم، آن‌ها باید ارزیابی کنند که در گذر زمان آیا می‌توان به وسیله «آموزش در حین کار» و «بهبود زیرساخت‌ها» چالش بهره‌وری را حل کرد. باید توجه داشت که مورد دوم بسیار مهم است، زیرا برخی از «مزیت هزینه» در آسیای جنوب‌شرقی احتمالاً در دهه آینده کاهش خواهد یافت.

چه چیزی زنجیره‌تامین «آسه‌آن» را تا این حد ویژه می‌کند؟

کشورهای «آسه‌آن» همانند همسایگان شمال شرقی خود، صنعتی‌سازی مبتنی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را انتخاب می‌کنند و می‌توانند به ۳ گروه، دسته‌بندی شوند. دسته نخست، سنگاپور است که به عنوان «گره

فناوری^۱ عمل می‌کند. دسته دوم گروه موسوم به ASEAN-4 (شامل کشورهای مالزی، تایلند، اندونزی و فیلیپین) به عنوان اقتصادهای تازه صنعتی‌شده با ترکیبی از رقابت‌پذیری است. در نهایت، دسته سوم شامل گروه موسوم به CLMV (شامل کشورهای کامبوج، لائوس، میانمار و ویتنام) است که برای شرکت‌هایی که عمدتاً به دنبال «کاهش هزینه‌ها» هستند دارای جذابیت‌اند.



شکل ۳: تنوع‌بخشی به حوزه‌های تخصصی - سهم ارزش‌افزوده خارجی تجهیزات الکترونیکی و الکترونیکی، ۲۰۱۷ [درصد سهم]

زنجیره‌های تامین «آسه‌آن» نیز عمیقاً با همسایگان کشورهای شمال شرقی آسیا یکپارچه شده است. اقتصاددانان معمولاً از الگوی «غازهای پرنده» برای توضیح تقسیم‌کار در منطقه استفاده می‌کنند و ژاپن به عنوان رهبر فناوری در مقابل اقتصادهای تازه صنعتی‌شده و کشورهای در حال توسعه قرار می‌گیرد. در شبکه شرکت‌های چندملیتی^۲ (MNEs) و در مسیر تلاش برای به حداکثر رساندن رقابت‌پذیری هر اقتصاد از نظر «هزینه و فناوری» و «حمل‌ونقل بین‌مرزی یک کالا در طول چرخه عمر تولید آن» زنجیره‌های تامین منطقه‌ای به پویایی می‌رسند.

«آسه‌آن» به دلیل تاثیرگذاری قدرتمند خود در صنعت الکترونیک و تولید خودرو، نقش بیشتری در پیکربندی مجدد زنجیره‌های ارزش جهانی با هدف افزایش انعطاف‌پذیری زنجیره‌تامین خواهد داشت. همچنین بخاطر

¹ Technology Node

² Multinational Enterprises

تقسیم‌کار منطقه‌ای یکپارچه، ما شاهد گسترش شرکت‌های چند ملیتی ژاپنی، کره جنوبی و چینی به عنوان رهبران قوی (و در حال چرخش) هستیم؛ شبیه به آنچه در الگوی گازهای پرنده رخ می‌دهد. با این حال، صنعت در آسیای جنوب‌شرقی با «معمای صنعتی شدن به رهبری FDI» که عمدتاً مبتنی بر ورودی فناوری و شبکه زنجیره‌تأمین‌کننده شرکت‌های چندملیتی به جای شرکت‌های رقابتی و بومی است، به چالش کشیده شده است.

انتقال صنعت الکترونیک به «آسه‌آن»

صنعت الکترونیک به دلیل متکی بودن بر فناوری مدولار، استانداردسازی و بالا بودن نسبت ارزش به وزن آن، در سطح بین‌المللی به طرز قابل توجهی پراکنده شده و به خوبی نیز در شبکه‌های جهانی و منطقه‌ای، ادغام شده است. این حوزه، بزرگترین صنعت صادراتی است که ۲۹ درصد از ارزش کل صادرات منطقه آسیای جنوب‌شرقی را در سال ۲۰۲۲ به خود اختصاص داده است که میزان آن بین ۲۰ تا ۵۰ درصد در هر کشور حوزه «آسه‌آن» متغیر است. این صنعت، رشد اقتصادی منطقه را با سهم ۲۶۸ میلیارد دلاری در تولید ناخالص داخلی منطقه (۸/۵ درصد تولید ناخالص داخلی)، هدایت می‌کند و بیش از ۲/۴ میلیون شغل در سال ۲۰۱۹ ایجاد کرده است. طی سه دهه گذشته، مشارکت زنجیره ارزش جهانی آسه‌آن در صنعت الکترونیک از ۷۴/۳ درصد به ۶۸/۹ درصد ارزش‌افزوده صادرات کاهش یافته است، در حالی که مشارکت زنجیره‌ارزش منطقه‌ای آن از ۸/۷ درصد به ۱۷/۸ درصد رشد دوبرابری داشته است که نشان‌دهنده یک شبکه تولید منطقه‌ای قوی‌تر است.

در حال حاضر، میانگین ارزش‌افزوده خارجی آسه‌آن در حوزه صادرات حدود ۵۳ درصد است که در این میان چین، ژاپن، ایالات متحده و آلمان مشارکت‌کنندگان عمده خارجی هستند. از لحاظ تاریخی، چین به عنوان بزرگترین مشارکت‌کننده، از ژاپن پیشی گرفته است که عمدتاً منعکس‌کننده جایجایی شبکه شرکت‌های چندملیتی و انتقال آن‌ها به چین است و ارتقاء چین در زنجیره‌ارزش از «مونتاژ نهایی» به «ارائه‌دهنده کالاهای واسطه‌ای» و در برخی موارد به «شرکت‌های پیشرو» است. سهم مشارکت زنجیره‌ارزش خارجی در حوزه صنعت الکترونیک در دو گونه از کشورها، بالاتر است: کشورهایی با سرمایه‌گذاری بزرگ در فناوری‌های پیشرفته مانند سنگاپور و مالزی، در برابر دیگر کشورها که معمولاً در مونتاژ نهایی مانند تایلند، فیلیپین و ویتنام شرکت دارند. در لائوس، کامبوج و میانمار این سهم به دلیل وضعیت آنها در فرآیندهای اولیه کار فشرده پایین است. در همین حال، صنعت اندونزی بر بازار داخلی متمرکز است در حالی که بروئی هنوز یک اقتصاد تحت سلطه سوخت‌های فسیلی است.

موانع پر شمار در مسیر

آسیای جنوب شرقی قطعاً یک شبه جایگزین چین به عنوان «کارخانه جهان» نخواهد شد. برای اینکه این اتفاق بیفتد، زنجیره‌های تامین در این منطقه باید بسیار کارآمدتر و یکپارچه‌تر شوند. در حال حاضر، تجارت بین کشورهای «آسه‌آن» هنوز با موانع بسیار زیادی روبرو است. از یک طرف، فقدان زیرساخت‌های با کیفیت، از همان ابتدا مانع از جریان یکپارچه کالاها می‌شود. از سوی دیگر، مقررات اساسی و موافقت نامه‌های حقوقی بین کشورها وجود ندارد، زیرا اختلافات منطقه‌ای و جاه‌طلبی‌های ملی بر سر راه شکل‌گیری یک اجماع سودمند، قرار گرفته است. علاوه بر این، وابستگی شدید به کالاهای چینی مانع دیگری برای توانایی منطقه برای تبدیل شدن به قطب تولید جدید جهانی می‌شود. به همین ترتیب، گذار به اقتصاد کم‌کربن نیز یک چالش بزرگ برای آسیای جنوب شرقی است. مجموعه این مزایا اگر به اندازه کافی سریع به دست نیاید، مزیت‌های رقابتی منطقه می‌تواند به سرعت کاهش یافته و امکان رقابت را از آسیای جنوب شرقی صلب کند.